



حواستان به تغییر جهت‌های تکنولوژی باشد

کاریا فراغت؟ هر دو و هیچ کدام



محمد ملاحباسی
جامعه‌شناس و مدرس دانشگاه

نتیجه شده است اینکه به طرزی مرگ‌بار، کار و فراغت در هم فرو رفته‌اند. در اوج جلسات کاری، «کندی کراش» می‌زنیم و در اوج بازی، پیام‌های کاری می‌فرستیم. این اغتشاش خیلی چیزها را تغییر خواهد داد و درباره آن باید فراوان حرف زد، اما برای شروع، خوب است پرسیم چنین شرایطی به نفع کیست؟ به نفع ما؟ کارفرماها؟ شرکت‌های تکنولوژیک؟ به نفع کار؟ یا فراغت؟ چند روز پیش کتابی از اقتصاددان برجسته بریتانیایی، آنتونی اتکینسون می‌خواندم که از برجسته‌ترین پژوهشگران فقر و نابرابری در جهان بود و سال ۲۰۱۷ از دنیا رفت؛ در کتاب پیشنهادهایی داده بود برای اینکه چطور می‌توان فقر و نابرابری را کاهش داد. اولین آنها برایم بسیار جالب بود: حواستان به تغییر جهت‌های تکنولوژی باشد.

از ساعت‌های کار یا درس، اوقات فراغتمان را پر می‌کردند (و با وجود همه انتقادات، من فکر می‌کنم ساعت‌های فراغت با گوشی هوشمند خیلی بیشتر خوش می‌گذرد تا با هر چیز دیگر). اما حالا، گوشی‌ها شده‌اند ابزار «کار».

از زمان انقلاب صنعتی به این سو، تکنولوژی اساساً چیزی مرتبط با کار قلمداد می‌شد و مکان اصلی به میدان آمدن آن هم کارخانه بود. آدم‌ها در ساعت‌های کار، مثل چارلی چاپلین در فیلم «عصر جدید»، با ماشین‌ها سروکله می‌زدند و بعد از کار تکنولوژی را کنار می‌گذاشتند و به حیات انسانی‌شان می‌رسیدند. از این جهت، باید گفت تکنولوژی‌های ارتباطی امروز نشان‌دهنده نوعی تغییر جهت اساسی بودند، چرا که هدفشان پرکردن ساعت‌های فراغت بود و البته از پارسال، با حفظ سمت، دنیای کار را هم فتح کردند؛

یادم است زمستان سال پیش، یکی از دوستانم که در آلمان فلسفه می‌خواند، برای تعطیلات کریسمس برگشته بود ایران و آمده بود دفتر ما. من تازه تدریس‌م را در دانشگاه شروع کرده بودم و برای همین، مدام درباره استاد‌های دانشگاه‌شان سؤال می‌پرسیدم. جدا از همه چیزهای دیگر، یک حرفش واقعاً آتش‌م زد. اینکه گفت اکثر استاد‌هایشان با تی شرت و شلوار جین یا اصلاً شلوارک می‌آیند سر کلاس: «فقط یک استاد فسیلی داریم که کت و شلوار می‌پوشد و همه به این کارش می‌خندند». من از پوشیدن لباس‌های رسمی گریزانم و به نظرم کت و شلوار نه نوعی پوشش که رسماً یک‌جور نفرین است و وقت‌هایی که برای دانشگاه کت و شلوار می‌پوشم دائم احساس می‌کنم دارم خفه می‌شوم. عجیب اینکه بعد از این صحبت‌ها شاید فقط دو سه هفته مجبور شدم با کت و شلوار بروم سر کلاس و بعد از آن با شروع پاندمی در کشورمان، کلاس‌ها اول تعطیل و بعد هم آنلاین شد. حالا ماه‌هاست که من از استاد‌های دوستانم هم جلو افتاده‌ام و با پیژامه می‌روم سر کلاس، البته وقتی به این فکر می‌کنم که دانشجویان در چه وضعی سر کلاس حاضر می‌شوند، هنوز کمی حسرت ته دلم می‌ماند، اما به هر حال، می‌خواهم بگویم که به لطف تکنولوژی‌هایی که به ما اجازه برگزاری کلاس‌های مجازی را داده‌اند، استاد‌ها و دانشجویان فراغت نسبی بسیار بیشتری پیدا کرده‌اند.

در این یک سال، شیوه استفاده ما از وسایل تکنولوژیک روزمره -همین موبایل‌ها و تبلت‌ها و لپ‌تاپ‌هایمان را می‌گویم- تغییر عظیمی کرده است؛ پیش از کرونا، برای اکثر ما، این وسایل بیش از آنکه با «کار» پیوند داشته باشند، با «فراغت» مرتبط بوده‌اند. درست است، با موبایل رنگ هم می‌زدیم، ولی در مقابل ساعت‌هایی که توی اینستاگرام و توئیتر و تلگرام ول می‌چرخیدیم، آن چند دقیقه چیزی به حساب نمی‌آمد. واژه بازی در کلمه‌هایی مثل «موبایل بازی» یا «تبلت بازی» برایمان کاملاً طبیعی و بدیهی به نظر می‌رسید و خلاصه، اینها چیزهایی بودند که بعد



در این یک سال، شیوه استفاده ما از وسایل تکنولوژیک روزمره -همین موبایل‌ها و تبلت‌ها و لپ‌تاپ‌هایمان را می‌گویم- تغییر عظیمی کرده است. پیش از کرونا، برای اکثر ما، این وسایل بیش از آنکه با «کار» پیوند داشته باشند، با «فراغت» مرتبط بوده‌اند. واژه بازی در کلمه‌هایی مثل «موبایل بازی» یا «تبلت بازی» برایمان کاملاً طبیعی و بدیهی به نظر می‌رسید اما حالا، گوشی‌ها شده‌اند ابزار «کار».